

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷
E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکپریان
تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰
E_mail: abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

سر دبیر: منصور فرزاد mfarzad2@gmail.com ۱۱دی ۱۳۸۷، ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

ایسکرا ۴۴۷

اساسی سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



فاتح بهرامی

اتحاد و همبستگی عملی مبارزاتی حیاتی است

امضا را دربرگرفته است، و دور اخیر بویژه در سه ماه گذشته به یک کشمکش حاد و حساس بدل شده است. اخراج ۳۲ نفر از کارگران بدلیل تن ندادن به تغییر قرارداد کار و تبدیل آن به سفید امضا که هر

اعتراضات و مبارزات کارگران ریسندگی پاریس همچون دیگر نساجیهای شهر سنندج در سالهای اخیر حول دفاع از ابتدائی ترین حقوق کارگران و علیه یورش سرمایه داران و دولت آنها شکل گرفته که از جمله مبارزه علیه اخراج و نپرداختن حقوقها و کار قراردادی و سفید

صفحه ۳



فرزاد کمانگر

و نور را از من بگیرد، اما در زندان من روئیدن بنفشه را در تاریکی و سکوت به نظاره نشستم. قرار بود زندان مفهوم زمان و

صفحه ۲

آقای اژه ای ، بگذار قلبم بتپد

دارم ، بین من و کودکانه سرزمینم فاصله ای باشد تا ابدیت ، اما من هر روز از دریچه سلولم به دور دستها میرفتم و خود را در میان آنها و مثل آنها احساس می کردم و آنها نیز دردهای خود را در منی زندانی میدیدند و زندان بین ما پیوندی عمیق تر از گذشته ایجاد نمود . قرار بود تاریکی زندان معنای آفتاب

ماههاست که در زندانم ، زندانی که قرار بود اراده ام را ، عشقم را و انسان بودنم را درهم بشکند . زندانی که باید آرام و رامم میکرد چون "بره ای سر بره " ، ماههاست بندی زندانی هستم با دیوارهایی به بلندی تاریخ . دیوارهایی که قرار بود فاصله ای باشد بین من و مردمم که دوستشان

با اعتراضات و پیگیریهای کارگران پاریس امروز جوابیه اداره کار سنندج به دیوان عدالت ارسال شد

حضور رئیس اداره کار سنندج در محل کارش، به این کارگران اعلام شد روز شنبه هفتم دی ماه کار آنها انجام خواهد شد.

صفحه ۲

امروز نیز در مقابل اداره کار سنندج ادامه پیدا کرد. لازم به یادآوری است کارگران پاریس روز چهارم دی ماه نیز در مقابل اداره کار سنندج دست به تجمع زدند اما به دلیل عدم

دور تازه تجمعات کارگران پاریس که از سوم دی ماه در اعتراض به حکم توقیف رای هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج از سوی دیوان عدالت اداری آغاز شده بود

کمپین جهانی برای لغو قانون چند همسری در کردستان عراق

در متن خرید و فروش آنان و در متن ازدواج، طلاق، ارث برجسته میکند. این قانون تبعیض جنسی را که مبنای آن شریعت اسلامی است علیه زنان اعمال میکند. این قوانین ظالمانه که جریانات قومی، اسلامی و عشایر مسلط به پارلمان کردستان آنها را به تصویب رساندند تعرضی آشکار علیه حقوق پایه ای و انسانیت زنان است . کارنامه این جریانات در طول ۱۷ سال گذشته سراپا زیرپا نهادن حقوق زنان، پیروی کردن از عشایر و ارتکاب قتلهای ناموسی بوده است.

وجود مخالفت و اعتراضات گسترده از طرف فعالین جنبش زنان و مردم آزادیخواه و سکولار، پارلمان کردستان بعد از چند نشست در ماههای اکتبر و نوامبر ۲۰۰۸ قانون چند همسری را تصویب کرد. این قانون آشکار و بی پرده بیحقوقی و اسارت زنان در جامعه را تثبیت میکند و حقوق ابتدائی زنان را زیر پا می گذارد و شرایط برده وار و تبعیض جنسی علیه زنان را در همه شئون زندگی برجسته می کند. قانون مذکور به مردان حق می دهد که بیشتر از یک زن داشته باشند، و مردان را بعنوان ولی امر به زنان تحمیل میکند، انقیاد زنان را

صفحه ۴

فراخوان کمک مالی به کارگران پاریس سنندج

کارگران، نیروی متحد و یکپارچه ما را تحلیل برده و در هم بشکنند. اجرای رای صادره از سوی هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج که به نفع کارگران صادر شده بود، با قرار دیوان عدالت اداری متوقف شده و کارفرما با این حربه در صدد است با تداوم تحمیل بیش از پیش گرسنگی بر خانواده هایمان، ما را به عقب نشینی از خواست های برحق خود

صفحه ۲

عاری از ستم و استثمار، تلخی آن را برایمان به شیرینی تبدیل کرده است. اینک و پس از گذشت سه ماه از تحمل این فشارها، رای هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج که در نتیجه مبارزه متحده ما صادر شده بود در راهروهای ادارات قضایی گرفتار آمده و این بار دشمنان طبقاتی ما بصورت آگاهانه و سازمان یافته ای میکوشند از طریق تحمیل یک رو در رویی فرسایشی بر

ما متحدانه ایستاده ایم

کارگران، همسرنوشتان سه ماه از مقاومت ما کارگران ریسندگی پاریس سنندج در مقابل ستم سرمایه داران می گذرد. در این مدت ما و خانواده هایمان فشارهای روحی و معیشتی طاقت فرسایی را متحمل شده ایم. اما طرز تلقی ما از تحمل این فشارها به مثابه مبارزه طبقه کارگر برای رسیدن به دنیایی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نامه فرزند کمانگر را ترجمه و وسیعا در دنیا پخش کنید!

چنین صلابتی از حقوق انسانی، از تقدیم اعضا بدنش به دیگران و از ادامه زندگی حرف میزند. این نامه را بعنوان سند انسان دوستی فرزند و

فرزادها، سند مبارزه علیه اعدام و علیه قتل عمد دولتی در دنیا وسیعا پخش کنید. به

همگان فراخوان میدهم که به

یاری فرزند شتافته و برای

نجات جان او بهر طریق ممکن

اقدام کنند. به فرزند کمانگر

تاریخشان سراسر رنج و اندوه ورد بوده است.

بگذارید قلم در سینه ی کودکی بتپید تا صبحگاهی از گلیوی با زبان مادرم فریاد برارم:

"من ده مه وی بمه بایه

خوشه ویستی مروف به رم

بو گشت سوچی نه م دنیایه"

معنی شعر: می خواهم نسیمی شوم و پیام عشق به انسانها را به همه جای این زمین پهناور ببرم.

فرزاد کمانگر

بند بیماران عفونی، زندان رجایی شهر کرج

مورخ ۸۷/۱۰/۸

تاریخ نگارش: ۸۷/۱۰/۲

بند امنیتی ۲۰۹ اوین

رنگ پوستش چیست، مهم اینست که کوتاه نمی آید و سر تمکین به ظلم و ستم فرو نمی آورد و از حشش دفاع میکند! این نامه بیانگر جنبش عمیق دفاع از انسانیت در ایران است. زندانی در آستانه اعدام با

تاریخ این نامه چهارشنبه ۲ دی ماه ۱۳۸۷ است. با این نامه، یکبار دیگر، وسعت و عمق جنبشی انسانی و عدالت خواهانه در ایران برای تحقق حقوق انسانی آشکارتر میشود. فرزند کمانگر در آستانه اعدام

از صفحه ۱ آقای اژه ای، بگذار قلبم بتپد

ارزش آن را در ذهنم به فراموشی بسپرد، اما من با لحظه ها در بیرون از زندان زندگی کرده ام و خود را دوباره به دنیا آورده ام برای انتخاب راهی نو.

و من نیز مانند زندانیان پیش از خود تحقیقها، توهینها و آزارها را ذره ذره، با همه وجود به جان خریدم تا شاید آخرین نفر باشم از نسل رنج کشیدگانی که تاریکی زندان را به شوق دیدار سحر در دلشان زنده نگه داشته بودند.

اما روزی "محارم" خواندند، می پنداشتند به جنگ "خدا"یشان

زاگرس به نظاره می نشیند، فقط قلب یاغی و بیقرارم در سینه کودکی بتپد که یاغی تر از من آرزوهای کودکیش را شب ها با ماه ستاره در

میان بگذارد و آنها را چون شاهدی بگیرد تا در بزرگسالی به رویاهای کودکی اش خیانت نکند، قلبم در سینه کسی بتپد که بیقرار کودکانی باشد که شب سر گرسنه بر بالین نهاده اند و یاد "حامد" دانش آموز شانزده ساله شهر من را در قلبم زنده نگهدارد که نوشت: "کوچکترین آرزویم هم در این زندگی برآورده نمیشود" و خود را حلق آویز کرد.

بگذارید قلبم در سینه کسی بتپد مهم نیست با چه زبانی صحبت کند یا رنگ پوستش چه باشد فقط کودک کارگری باشد تا زبری داستان

از صفحه ۱ فراخوان کمک مالی به...

و ادان نماید. در راستای این سیاست و پس از توقف اجرای حکم هیئت حل اختلاف از سوی دیوان عدالت اداری، کارفرما با اشراف بر مستولی شدن

با اعتراضات و پیگیریهای کارگران پریس ... از صفحه ۱

کارگران پریس همچون روزهای دیگر امروز نیز خواهان پاسخ فوری اداره کار سنندج به دیوان عدالت اداری بودند و علیرغم بوروکراسی موجود که تهیه نامه و ارسال آن به ادارات خواهان، تا یک ماه طول میکشد این کارگران با اعتراض و پیگیری قاطعانه خود موفق شدند امروز و پس از چهار روز از دریافت

نامه دیوان عدالت توسط اداره کار سنندج، این اداره را ناچار به پاسخگویی به دیوان عدالت اداری بکنند. تجمع امروز کارگران پریس از ساعت ۹ صبح در مقابل اداره کار شروع شد و تا ساعت ۱۴/۳۰ و ارسال پاسخ اداره کار سنندج به دیوان عدالت اداری ادامه داشت.

از حریره تحمیل بیش از پیش گرسنگی بر خانواده هایمان، مقاومت متحدانه ما را بمشابه بخشی از مبارزه طبقه کارگران ایران در هم بشکند.

زنده باد همبستگی کارگری دوم آذر ماه هزار و سیصد و

یکپارچه ما را در هم بشکند. اما یاران!

ما متحدانه ایستاده ایم و در این شرایط چشم امید ما به یاری شماست تا اندکی از آلام تحمیل شده بر همسر و فرزندانمان کاهش پیدا کند و کارفرما قادر نشود با استفاده

نهایت مسئولین اداره کار ناچار گشتند پاسخ خود را ساعت ۱۴ ظهر در حضور نماینده های کارگران با پست پیشتاز به دیوان عدالت ارسال نمایند.

لازم به یادآوری است نادر محمدی مسئول روابط اداره کار سنندج که در میان کارگران به تبانی با کارفرمایان مشهور است پاسخ اداره کار سنندج را به دیوان عدالت ارسال نکرده و به کارگران به دروغ اعلام نموده بود نامه را فرستاده

ساعت ۱۲ ظهر به کارگران پریس اعلام شد پاسخ اداره کار به دیوان عدالت ارسال شده است و آنان باید به تجمع خود پایان دهند اما کارگران دست از تجمع نکشیده و تعدادی از آنان برای کسب اطلاع از صحت موضوع به اداره پست مراجعه کردند و در کمال تعجب متوجه شدند نامه ارسال نشده است. به همین دلیل بار دیگر با اعتراض شدیدی خواهان پاسخگویی اداره کار به موضوع پیش آمده شدند و در

است اما با درایت نماینده های کارگران و فاش شدن عدم ارسال نامه و اعتراض شدید کارگران وی ناچار شد نامه را این دفعه در حضور نماینده های کارگران به دیوان عدالت ارسال نماید.

کارگران پریس تصمیم دارند روز دهم دی ماه برای پیگیری مسائل خود به دیوان عدالت در تهران مراجعه نمایند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران هفتم دی ماه هشتاد و هفت

از صفحه ۱ اتحاد و همبستگی عملی ...

زمان کارفرما خواست دستش برای اخراج باز باشد شروع اعتراض اخیر بود. اما از آنجا که کارفرما بر اساس قرار داد قبلی هنوز حق اخراج کارگران را نداشته است هیات حل اختلاف اداره کار رای به بازگشت بکار کارگران میدهد اما کارفرما از این رای عدول نمیکند و پس از شکایت از دیوان عدالت اداری اجرای این حکم متوقف میشود. و جالب اینست که مسئول روابط اداره کار در تبنانی با کارفرما از ارسال نامه دفاع هیات حل اختلاف اداره متبوع خود به دیوان عدالت اداری خودداری میکند و معلوم میشود که بارها بر سر ارسال این نامه به کارگران دروغ گفته است. و مزید بر اینها، کارفرمای پریس بیشرمانه فشار طاقت فرسای ناشی از بلاتکلیفی و گرسنگی بر کارگران و خانواده آنان را به ابزاری در دست خود برای ایجاد تفرقه در میان کارگران بدل کرده است تا شاید مقاومت و اراده کارگران را به شکست بکشاند. و در این میان ارگانهای ضد کارگری جمهوری اسلامی طبق معمول تمام و کمال در خدمت کارفرما و علیه زندگی و معیشت و حرمت کارگران و خانواده های آنان ایستاده اند.

این جنگ طبقاتی و این توحش سرمایه داران و دولت آنها علیه کارگران در سراسر ایران جریان دارد. گرسنگی دادن فرزندان کارگران، بالا کشیدن دستمزد های ناچیز آنان و تبدیل کردن کارگران به برده سرمایه داران و وادار کردنشان به کار تحت شرایط ضد انسانی کار قراردادی و سفید امضا به یک روال عادی بدل شده و هر جا که این چپاولگران با اتکا به حمایت دولت و قوانین کثیف رژیم اسلامی و نیروی سرکوب آن امکان یافته اند، کارگران را به این ورطه نابودی کشانده اند. اگر اتحاد و همبستگی و مبارزه کارگران نبود قطعا در ابعاد بر مراتب دهشتناکتری حق و حرمت و انسانیت کارگران زیر پا لگد میشد. ضمنا واضح است که کل اجحاف و بیحقوقی تحمیل شده به کارگران در شرایط سیاسی امروز ایران تماما ناشی از توان سرکوب حکومت نیست بلکه تا حد زیادی

نیز بدلیل نقطه ضعفها و امکانات و محدودیتهای مبارزه طبقه کارگر است که هنوز به یک مقابله جدی دست نزده است، در واقع طبقه کارگر هنوز با تمام قدرت راه نیفتاده است.

گرچه در سراسر دنیا کار حکومتیهای سرمایه داری استثمار کارگران و تحمیل بیحقوقی به آنان است، گرچه همه جا بخصوص در شرایط امروز که بحران اقتصادی دنیا را در بر گرفته گرانی و بیکاری و دیگر مصائب این سیستم وجود دارد، اما در ایران اوضاع از هر دو سوی این جنگ طبقاتی متفاوت است. اولاً گرانی که سران حکومت با ریاکاری ویژه آخوندها آنرا به بحران کنونی نسبت میدهند دائما در دوره حیات رژیم اسلامی گلوی کارگران و مردم زحمتکش را فشرده است. سالها قبل از این بحران خود سران حکومت از انفجارهای اجتماعی ناشی از گرانی و تورم بارها بهمدیگر تذکر داده اند و امروز میخواهند فلاکتی را که در تمام این سالها به اکثریت جامعه تحمیل کرده اند را با "برکت" بحران از گردن خود بیندازند تا اقلیت مفتخور و انگلی که از دسترنج کارگران ثروتهای نجومی بهم زده است بتواند همچنان پروا تر شود. ثانيا، هیچ کجای دنیا اینطور نیست که از یکسو شش ماه و یکسال دستمزد بخور و نمیر کارگر را ندهند و آنرا بالا بکشند و گله آیت الله های میلیادر و سرمایه داران حریص هر روز تروتمندتر بشوند و از آنسو کارگر را بخاطر اعتراض به بیحقوقی اش و یا شرکت در مراسم اول مه شلاق بزنند و به زندان بیندازند. این حکومتی است که به صف کارگران گرسنه و معترض به نپرداختن دستمزد معوقه شلیک کرده و بر زبان فعال سندیکا تیغ کشیده و برای مدافعین حقوق کارگران پاپوش "اقدام علیه امنیت ملی" دوخته است. سرمایه داری در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی یکی از وحشی ترین حکومتیهای این سیستم است که استثمار وحشیانه کارگر و تحمیل بیحقوقی به مردم از یکسو و چپاول و دزدی و فساد سرمایه داران

و آخوندهای انگل از سوی دیگر را با ارتجاعیترین قوانین اسلامی و ول کردن افسار اوباشان قمه بدست و انداختنشان بجان هر کس از آزادی و انسان حرف زده عجین کرده است. در سوی دیگر این جنگ طبقاتی نیز، یعنی در اردوی کارگران، باز هم اوضاع در ایران متفاوت است. اولاً ایران تنها جایی است که اکثریت عظیم مردم آن برای سرنگونی این حکومت توحش سرمایه به حرکت درآمده اند و خواهان آزادی و برابری و رفاه هستند. خود طبقه کارگر، علیرغم معضلات و کمبودهایی که باید سریعاً بر آنها فایق بشود گامهای مهمی در عرصه های مختلف بجلو برداشته و در تمام این سالها اعتصابات و اعتراضات مداوم کارگری نبض جنبش اعتراضی برای سرنگونی رژیم اسلامی را بالا نگه داشته است. تلاش کارگران و رهبران پیشرو آنها در جهت متشکل شدن، ابراز وجود اجتماعی، بالا رفتن روحیه همبستگی و اتحاد کارگران و گامهای عملی در این جهت و سازمانیابی مبارزات کارگری و میزان بالای دخالت و اراده مستقیم توده کارگران در این مبارزات باعث شده وزن طبقه کارگر در عرصه سیاست ایران بطور جدی تغییر کند. و بالاخره مهمترین نکته و نقطه قدرت طبقه کارگر در ایران وجود حزب این طبقه یعنی حزب کمونیست کارگری است که با حضور قدرتمند و محبوبیت میلیونی میروند که به بدیل و آلترناتیو سیاسی حکومت فعلی تبدیل شود. این حزب که طبقه کارگر را در مبارزه بر سر قدرت سیاسی نمایندگی میکند تنها شانس جامعه ایران برای رهائی از یخک حکومت اسلامی است و اینها جنبه های مهم تفاوت ایران از سایر نقاط جهان در اردوی کارگران و مردم آزادیخواه است.

اگرچه هر حرکت و تلاش امروز کارگران و آزادیخواهان یک قدم باید ما را به هدف نهائی و روز پیروزی بر ارتجاع حاکم نزدیکتر بکند، اما واضح است تا پائین کشیدن جمهوری اسلامی نمیتوان نظاره گر حمله افسار گسیخته هرروزه به حقوق کارگران بود و آنرا تحمل کرد. زیرا علاوه بر اینکه تهاجم به معیشت و حرمت و انسانیت مردم از جانب این چپاولگران نمیتواند بی پاسخ بماند بلکه بمعنی واقعی کلمه نیز طبقه کارگر دیگر توان تحمل فقر و فلاکت بیشتری را ندارد و رمقی برایش باقی نگذاشته اند. از اینرو برای پس زدن این تهاجم و حمله افسارگسیخته سرمایه داران و دولت آنها به زندگی مردم باید صف کارگران و مردم آزادیخواه قدرتمند و متحد بشود. بدون این سرمایه داران و حکومت اسلامی نمیتوانند این اعتراضات را یا سرکوب کنند و یا بی تاثیر کنند. همین وضعیت کارگران پریس یک نمونه از موارد متعدد مشابهی است که سه ماه است سردانده میشوند و علیرغم تجمعات پی در پی در سرمای شدید که تاکنون مقاومت جانانه ای کرده اند و اقدامات بسیار مهمی هم انجام داده اند هنوز به نتیجه نرسیده است. باید توجه کرد که این حکومت در موقعیتی نیست که بزند و بکوبد و مردم را به خانه بفرستد، فضای اعتراضی جامعه و تنفر عمومی از این رژیم چنین اجازه ای را به آنها نمیدهد و اتفاقاً همین

وضعیت و خطر این جنبش عظیم باعث شده که این حکومت نتواند بحران اقتصادی و سیاسی و اجتماعی اش و در کل بحران حکومتی اش را پشت سر بگذارد. اما برای جلوگیری از تهاجم رژیم و برای پیروز شدن اعتراضات جاری کارگران و دیگر اقشار آزادیخواه جامعه باید در مقابل حکومت قدرتمند و متحد ظاهر شد. رژیم اگر با قدرت متحد و یکپارچه کارگران و حرکتیهای سراسری مواجه شود عقب نشینی میکند اما اگر اعتراضات کارگری باندازه کافی قدرتمند نباشد آنرا سرکوب میکند و با اتکا به فقر و فلاکتی که به مردم تحمیل کرده نیروی کارگران را فرسوده میکند و برای اینهم تمام نیرو و امکاناتش را هم به خدمت گرفته است. ضمناً به این امر مهم باید توجه کرد که اعتراض و مبارزه در هر گوشه ای وجود دارد. کارگران، معلمان، پرستاران، زنان، جوانان، دانشجویان و کل مردم آزادیخواه باشکال مختلف هم تحت فشارند و هم مبارزه میکنند و کنار زدن جمهوری اسلامی به اولین امر مشترک همه و رمز دستیابی به خواستههایشان شده است. بنابراین از این نظر هم اتحاد قدرتمند در مقابل حکومت کلیدی است.

برای این اتحاد فراگیر و برای متحد شدن تحت پرچمی که خواستههای آزادیخواهانه و برابری طلبانه کارگران و دیگر اقشار تحت ستم و حق طلب را نمایندگی کند و برای اینکه مبارزات و اعتراضات جاری قدرتمند و متحد و همبسته پیش برود و به نتیجه برسد باید دو اقدام اساسی در دستور کارگران و همه انسانهای آزادیخواه قرار بگیرد. اولاً، ابزار اساسی برای اتحاد مبارزاتی و ظرفی که مطالبات و خواستههای انسانی کلیه این اقشار را نمایندگی کند و قدرتمند بودن مبارزات را تامین کند حزب کمونیست کارگری است، بنابراین بدور این حزب باید حلقه زد. هیچ راه و امکان دیگری وجود ندارد که مبارزه بر سر خواستهها و امیال انسانی کارگر و زن و جوان و انسان شریف آن جامعه را بهم گره بزند. محبوبیت و دوست داشتن حزب

از صفحه ۱ کمپین جهانی برای لغو قانون چند ...

با تلاش نیروهای انساندوست، آزادیخواه، برابری طلب، سکولار و مردم متممدرن کردستان و جهان میتوانند این قانون ضد زن را ملغی کنند.

ما امضا کنندگان زیر کمپینی جهانی را در راستای خواستههای زیر اعلام می داریم .

۱: ملغی شدن قوانین چند همسری مصوب پارلمان کردستان.

۲: مقابله و مبارزه علیه هر شکلی از بیحقوقی زن و تبعیض بر اساس جنسیت.

۳: ممنوعیت بکارگیری قوانین اسلامی و دین در زندگی اجتماعی و در خانواده. جدائی کامل دین از دولت و آموزش و پرورش.

۴: تصویب یک آئیننامه سکوولار در مقابل قانون چند

همسری که مبتنی بر برابری کامل زن و مرد و با بالاترین استانداردهای انسانی باشد، و بویژه موارد زیر را ممنوع کند:

الف: چند همسری

ب: خرید و فروش، تعیین شیر بها و هر نوع شرطی برای ازدواج .

ت: اعمال هر نوع ظلم و زور توسط هر فرد و نهادی بر زنان برای انتخاب شریک زندگی .

س: هرگونه قید و شرطی برای زنان در مورد جدائی و طلاق .

ما همه فعالان راه برابری زن و مرد، آزادیخواهان و سکولاریستها را فرا می خوانیم که چه فردی و چه بصورت جمعی در کردستان، عراق و سراسر دنیا برای امضای کمپین، پیشبرد آن، حمایت از کمپین و

ترویج کردن آن دست بکار شوند.

امضاها:

۱: سرگول احمد فعال جنبش دفاع از حقوق زنان و مسول پیشبرد این کمپین

۲: خیال ابراهیم فعال جنبش زنان، گوینده برنامه عربی زبان تلویزیون سکولار و مسول سازمان رهای زن در عراق .

۳: مریم جمیل فعال حقوق زنان و عضو رهبری سازمان رهای زن در عراق

۴: مینا احدی مسول سازمان اکس مسلم در المان و مسول کمیته جهانی علیه اعدام .

۵: مریم نمازی مسول سازمان اکس مسلم در انگلستان و سکولاریست شناخته شده جهانی

۶: سمیر نوری مسول تلویزیون سکولار

۷: کاروان نجمدین سکولاریست و سردبیر نشریه بسوی سوسیالیزم - کردستان عراق

۸: ربیین فاروق سکولاریست فعال و عضو تحریریه نشریه بسوی سوسیالیزم - کردستان عراق

۹: عصام شکری مسول سازمان دفاع از سکولاریزم و حقوق مدنی مردم عراق

۱۰: جلیل شهباز عضو سازمان دفاع از سکولاریزم و حقوق مدنی مردم عراق

۱۱: نور جباری فعال سازمان اکس مسلم در المان

۱۲: ستار چیمنتو فعال سازمان اکس مسلم در المان

۱۳: پتی دبنیتاس مسول برنامه تلویزیونی کمپ سوم به زبان انگلیسی - انگلستان

۱۴: سهیلا شریفی عضو شورای مرکزی "علیه تبعیض، سازمان دفاع

از حقوق زن در ایران"

۱۵: طاریق فتاح نویسنده و سکولاریست در کانادا

۱۶: سیما بهاری مسول رادیو شکوفه ها . سوئد

۱۷: سارا محمد مسول تشکل پلا و فاطمه را هرگز فراموش نکنید . سوئید

۱۸: حکیم حسن فنجان رهبر شورای کارگران خدمات در بیمارستانهای شهر ناصریه در عراق

برای اطلاعات بیشتر و امضای این کمپین با ما تماس بگیرید

ایمیل سرگول احمد

sargulah@yahoo.com

ایمیل خیال ابراهیم

khayalibrahim@yahoo.com

Tel: ۰۰۱۶۷۲۱۵۳۲۱۰

از صفحه ۳ اتحاد و همبستگی عملی ...

برای پیروزی مبارزات مردم کافی نیست، باید معنی عملی و پراتیکی حزب را تبدیل به وسیله پیروزی مبارزات کارگران و مردم کرد و این یعنی باید به حزب پیوست و با آن رهنمودهایش را بکار بست و با آن فعالیت کرد، باید حول حزب متحد و متشکل شد، این اولین گام اساسی است. اقدام دوم مربوط به همبستگی عملی با مبارزات جاری کارگران و دیگر اقشار جامعه است که اینجا نیز حزب نقش مهم و جدی برای تامین آن میتواند ایفا کند. نباید اعتراض یک بخش از کارگران در یک شهر را تنها گذاشت، و گرنه همانطور که بالاتر اشاره شد رژیم میتواند آنرا سرکوب یا بی تاثیر کند. بعنوان مثال، طرح کثیف و اتجاعی و بغایت ضد کارگری قرارداد سفید امضا مشکل فقط بخش کوچکی از کارگران نیست. کار قراردادی را به درصد بسیار بالایی از کارگران ایران تحمیل کرده اند و سفید امضا هم دارد دائما افزایش پیدا میکند. این سیاست کثیف که به هر کارخانه و هر بخشی

از کارگران تحمیل میشود یک قدم پیشروی سرمایه داران است و با توجه به اینکه کلا کار قراردادی و بخصوص سفید امضا کارگر را در تنگنا و ناامنی بیشتری قرار میدهد باعث سوء استفاده سرمایه داران و تحمیل فلاکت بیشتر به کارگران میشود. از طرف دیگر حکومت در شرایطی که با اعتراضات قدرتمند مواجه نباشد برای خنثی کردن مبارزات جاری هر از چندگاهی و اخیرا نیز شروع به دستگیری فعالین کارگری و فعالین جنبشهای اعتراضی میکند تا بقیه را مرعوب کند و توده کارگران را از فعالین و رهبران خود محروم کند. به این تهاجمات باید افسار زد و این فقط با قدرتمندی کارگران و دیگر مردم معترض ممکن میشود. وقتی کارگران یک بخش دست به اعتصاب و اعتراض میزنند لازم است کارگران بخشهای دیگر و نیز مردم آزادیخواه شهر دست به اقدامات متنوع حمایتی بزنند که آن مبارزه پیروز شود و به خواستهایش برسد. در غیر اینصورت اگر چنین مبارزه ای پیروز

نشود فردا نوبت تعرض و تهاجم رژیم به بخش دیگر است، این را همه کارگران در تجربه خود دیده اند. اما این همبستگی ها شروع شده و اهمیت آن بیشتر مورد توجه قرار میگیرد. در سالهای اخیر نمونه های این همبستگی و حمایتها وجود داشته است اما هنوز خیلی ناکافی است و هنوز ابتکارات و اقدامات عملی گوناگون بکار گرفته نشده است. همین مورد آخر، بدنبال فراخوان کارگران پریس، جمع آوری کمک مالی برای آنان توسط جمعی از کارگران اصفهان یک اقدام ارزشمند است که حاکی از این است کارگران نقش همبستگی و اتحاد را میدانند و در این جهت قدمی برداشته اند، و همچنین خود اقدام کارگران پریس مبنی بر فراخوان کمک به آنان اهمیت زیادی دارد و نشانه ای از توجه کارگران و نیاز آنها به کمک هم طبقه ایهای خود است. اما به حرکات و شیوههای موثرتری برای ایجاد همبستگی و اتحاد نیاز داریم. مثلا اعتراضات کارگری باید از طرف مجامع عمومی کارگران به جامعه اعلام شود، تا این مجامع عمومی کارگری بعنوان نهادهای تصمیم گیری کارگران به جامعه

معرفی شوند. در اطلاعیه های مجامع عمومی باید درخواست همبستگی مبارزاتی و درخواست پشتیبانی از دیگر بخشهای کارگری و نیز مردم آزادیخواه شهر اعلام شود. و کارگران و مردم هم در پاسخ به این فراخوانها باید با تمام توان به یاری این مبارزات و حمایت از آنها بشتابند. این روند باید سریعاً با اشکال پیشرو اعتصابات حمایتی و تظاهراتهای حمایتی تکمیل شوند و ارتقا پیدا کنند و حکومت اسلامی و سرمایه داران با صف متحد و قدرتمند کارگران مواجه بشوند. در یک کلام باید پیام کارگران و مردم شریف و آزادیخواه به حکومت و سرمایه داران بطور عملی این باشد که نمیگذاریم فلان اعتراض و اعتصاب تنها بماند، نمیگذاریم اعتراض کارگران سرکوب شود و یا به خواست آنان توجه نشود، نمیگذاریم فعال کارگری را به زندان ببرید، نمیگذاریم اوباشان رژیم زنان را در خیابانها اذیت کنند، نمیگذاریم. این کلید پیشروی مردم و افسار زدن به تعرض حکومت و سرکوبگران و سرمایه داران به حقوق انسانهاست، این در واقع دفاع از خواست و مطالبات مشترک مردم

شریف است.

راه افتادن جنبش حمایتی از اعتراضات و مبارزات کارگران و مردم آزادیخواه و برابری طلب جامعه قطعاً وظایف مهمی بر دوش رهبران و فعالین جنبش طبقه کارگر و دیگر جنبشهای اعتراضی میگذارد که باید برای سازمانداندن این حرکت اقدامات لازم را انجام بدهند. زمینه بسیار مناسبی برای این حرکت در جامعه وجود دارد و فضای اعتراضی و خواستههای انسانی اکثریت مردم پشتوانه عملی شدن این حرکت است و باید آنرا سازمان داد. حزب کمونیست کارگری با تمام توان برای پیروزی مبارزه مردم بر حکومت اسلامی، برای جلوگیری از اقدامات ضد کارگری و ضد زن و ضد انسان حکومت و برای متحد کردن صف میلیونی مردم کارگر و زحمتکش تمام تلاشش را بکار میبندد و همه امکانات و ابزارهایش از جمله تلویزیون کانال جدید بعنوان صدای این صف میلیونی را در این راه بکار گرفته است. به حزب خود ملحق شوید. *

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!